

## آرشیف ملی افغانستان و ضرورت توجه جدی به آن

افغانستان امروز از دیرباز یکی از کانون‌های نسخه‌پردازی و کتابت نسخه‌ها بوده است. نسخه‌های نفیس قرآن شریف بازمانده از دوره غزنوی بهترین سند هنرمندی و دانش‌نیاکان ماست. پس از آن نیز این آتش‌نمرد و بلکه در دوره‌هایی دیگر و در سویی دیگر از کشور فروزان‌تر شد که باید به تلاش‌های شاهان و شاهزادگان هنرمند تیموری در سده نهم در هرات اشاره کنیم. در نیمه نخست این سده، گروهی از هنرمندان و مورخان و ادبا در دربار شاهرخ مشغول تألیف آثار و نسخه‌پردازی بودند و در آن سوی شهر، فرزندش بایسنغر میرزا گروهی دیگر از خوش‌نویسان و نگارگران و صحافان و جلدسازان و ... را از گوشه و کنار دنیا در باغ سفید گرد آورد بود، تا باور و اعتقادش را به فرهنگ و دانش ثبت تاریخ علم و هنر کند. از همان کارگاه نسخه‌پردازی بایسنغر امروز نسخه‌هایی چون شاهنامه بایسنگری و قرآن بایسنگری بر جای مانده‌اند که زیب و سبب اعتبار موزیم‌های کشورهای دور و نزدیک ماست.

این که چطور و چگونه این نسخه‌ها دست به دست گردید و کتابخانه‌های ما خالی شد، این‌جا مجال طرح آن نیست. اما امروز نتیجه آن شده که کشور ما و یگانه مخزن نسخ خطی (به غیر از دو سه کتابخانه کوچک دیگر که مجموعاً به 500 نسخه هم نمی‌رسد) آن در میان کشورهای منطقه به لحاظ تعداد نسخه، فقیرترین کشور و به لحاظ اعتبار علمی، گمنام و ناشناخته باقی بماند. پر واضح است که نوحه‌سرایی و دریغ‌گویی بر داستان دردناک سیر و سفرهای نسخ خطی ما سودی ندارد. آنچه اهمیت دارد این است که چگونه می‌توان مشکلات و کاستی‌های آرشیف ملی را از میان برد تا این نهاد در میان دیگر آرشیف‌ها و کتابخانه‌های منطقه سری بلند کند.

بدیهی است که راهی دشوار و سخت پیش روی ماست. راهی که سفر در آن از چندی پیش آغاز شده اما به دلایلی حرکت ما در آن کند و بطی است. این سفر را باید سرعت بخشید تا بیش از این از دیگر کاروانیان عقب نمانیم. در این مطلب کوتاه، به طرح سه راه که با توسل به آن‌ها می‌توانیم آرشیف ملی افغانستان را وارد گردونه رقابت با دیگر آرشیف‌های منطقه از نظر پویایی و اعتبار علمی و تحقیقی کنیم، پرداخته ایم.

آرشیف ملی افغانستان، با حدود هشت هزار نسخه، بزرگترین گنجینه نسخ و اسناد خطی در کشور است. با این همه، این مرکز متأسفانه در میان آرشیف‌ها و مخازن نسخ خطی منطقه از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. علت عمده این امر نخست در میزان پایین نسخ خطی در این مجموعه و زنده نبودن این مرکز است به این معنی که آرشیف ملی محل نگهداری و استراحت نسخه‌هاست و در مقایسه با دیگر مراکز، محل رجوع و رفت و آمد محققان نیست. فهرست‌های ناقص دردی را دوا نمی‌کند و شیوه ارتباط با آن برای پژوهشگران خارجی بسیار دشوار است. کتاب و مجله‌ای هم نشر نکرده تا از پویایی آن نشانه‌ای باشد.

نخستین راه دخیل شدن، کنترل و نظارت آرشیف بر بازار سیاه نسخ و اسناد خطی در شهرها و مناطق مختلف کشور است. بدون تردید چند برابر مجموعه فعلی موجود در آرشیف، همین اکنون در بدخشان و تخار، غزنی و وردک و غور و هرات در اختیار مردم و نسخه‌فروشان است. اکنون در کشور

بیشترین نسخه‌ها از دو منطقه غزنی، لوگر و وردک و ولایات بدخشان، قندوز و تخار به دست می‌آید.

بسیاری از مردم و هموطنان علی‌رغم این که از نگهداری درست این نسخه‌ها غافل هستند و در مواردی بسیاری از این نسخه‌ها نیز در نتیجه کم‌توجهی از بین رفته است، میلی به اهدا و فروش این آثار به آرشیف ملی افغانستان را ندارند. وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور و آرشیف ملی افغانستان از طرق مختلف باید آنان را به اهدای این دست از آثار ترغیب و فواید فراوان این کار را به آنان تفهیم نمایند. اگر در این امر سیاستمداران و دولتمردان و زنان ما پیشگام شوند، می‌تواند محرک و انگیزاننده خوبی برای دیگران باشد. در پهلوی تشویق مردم به اهدای نسخ، برای برخی که تمایل به فروش آثار خود را دارند، باید راه بدیل نمایانده شود تا نسخه‌های خود را به جای فروش در بازار و خروج آن از کشور، به آرشیف ملی بفروشند.

پروژه خریداری نسخ خطی آرشیف ملی افغانستان برای یک فروشنده نسخه اکنون بسیار وقت‌گیر و خسته‌کن است و گاه ماه‌ها به طول می‌انجامد. این مشکل سبب می‌شود که فروشنده جهت جلوگیری از ضیاع وقت خود و همچنین با توجه به نیازمندی عاجل به پول، بازار را نسبت به آرشیف جهت فروش نسخه خود ترجیح دهد. لذا این پروژه را باید بسیار کوتاه و شفاف کرد تا به همان قیمتی که در بازار نسخه، یک کتاب قلمی ارزش دارد، حداکثر در ظرف چند روز معدود سرنوشت نسخه مشخص شود.

همین اکنون صدها نسخه خطی در بازار کابل در انتظار خریداری از پاکستان و ایران و کشورهای عربی به سر می‌برند. برخی از این نسخه‌ها بسیار نفیس بوده و به خط بهترین کاتبان دوره تیموری، صفوی و قاجار نوشته شده است. چندی پیش من خود در این بازار، نسخه‌ای از التیسیر فی التفسیر ابوحفص عمر بن محمد بن احمد نجم النسفی (461-537ق.) را از نزدیک دیدم که در تاریخ 523ق. و روزگار حیات مؤلف کتابت شده بود. این نسخه به سرعت خریداری و ظاهراً از کشور خارج ساخته شد. این کاملاً طبیعی است وقتی که درهای مخازن آرشیف ما به روی این نسخه‌ها بسته است، نسخه‌ها بازار و مقصد دیگری برای خود پیدا می‌کنند و همین است که روزانه ده‌ها نسخه ما از مرزهای زمینی و هوایی به بیرون از کشور قاچاق می‌شود. دولت افغانستان باید بر سرحدات خود نظارت بیشتر وضع کند و مجازات خروج نسخه از کشور را چند برابر کند. در پهلوی این، درهای آرشیف را به روی این نسخ و آثار باز کند. بعضاً کسانی که در کار خرید و فروش نسخه هستند، فروش این آثار را به دولت افغانستان و لو با قیمت کمتر بر هر خریدار و کتابخانه خارجی ترجیح خواهند داد. دولت و وزارت اطلاعات و فرهنگ همچنین باید بودجه خریداری نسخ خطی را افزایش دهند و در یک پروژه شفاف و با حضور کارشناسان مختلف هیچ نسخه باارزشی را اجازه برگشتن ندهد. این فریادی است که بارها از سوی نسخه‌شناسان مطرح ما از عبدالحی حبیبی گرفته تا فکری سلجوقی و وکیلی پوپلزایی و دیگران بلند شده اما متأسفانه تا کنون نیز به بنا به دلایلی به توصیه این بزرگان عمل نشده است. البته خوشبختانه از چندی بدین سو، این حرکت در آرشیف ملی افغانستان شروع شده، اما با توجه به محدودیت بودجه و مراجعه اندک مردم، آهنگ کندی دارد. توجه در این عرصه، ضمن آن که می‌تواند در درازمدت به لحاظ آمار و ارقام، آرشیف ملی افغانستان را در سطوح بالاتری مطرح کند،

نسخه‌های کتابت شده نیاکان ما را در دست فرزندانشان باقی خواهد گذاشت که این کمترین حق آن‌ها بر ماست.

راه دوم انتشار فهرست‌های نسخ خطی و اسناد آرشیف ملی است. با آن که در گذشته تلاش‌هایی در قسمت فهرستنویسی نسخ و اسناد موجود در آرشیف شروع شده و یک جلد فهرست قرآن‌ها، دو جلد مخطوطات دری و یک جلد مخطوطات پشتوی آرشیف قبلا انتشار یافته، ولی قسمت اعظم نسخه‌های ما هنوز فهرست نشده‌اند و محققان و نسخه‌شناسان حتی از عناوین نسخ موجود در آرشیف بی‌خبر هستند. این فهرست‌ها باید به سرعت تدوین و چاپ شوند. وبسایت آرشیف ساخته شود و امکان دسترسی محققان داخلی و خارجی از طریق این سایت با آرشیف فراهم شود. محققان از هر کجای دنیا می‌توانند، از این طریق به صورت مستقیم نسخ و اسناد درخواستی خود را فرمایش دهند و در بدل حق الزحمه اندک حدود فی صفحه 5 یا 10 افغانی آن آثار برایشان به صورت دیجیتال ارسال شود. این کار سبب درآمدزایی برای آرشیف و وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز خواهد شد. عواید به دست آمده را نیز می‌توان صرف خریداری نسخه‌های جدید برای آرشیف کرد.

همچنین باید فهرست‌های منتشر شده را با موجودی فعلی آرشیف‌های خود در یک تحقیق مطابقت دهیم. بر اساس تحقیقات من، شمار قابل توجهی از نسخه‌هایی که در کتابخانه‌های مختلف ما پیش از تشکیل آرشیف ملی وجود داشته از جمله آرشیف هرات، امروز دیگر وجود ندارند و جالب آن که هیچ کس تا کنون به غیبت این نسخه‌ها پی نبرده است. پیشنهاد می‌کنم دانشجویان یا دانشجویانی از رشته‌های ادبیات فهرست سرژ دولوژیته بورکوی نخستین فهرستنویس کتابخانه‌های ما که به فهرستنویسی پنج کتابخانه موزیم هرات، فاکولته ادبیات کابل، کتابخانه سلطنتی محمدظاهر شاه، وزارت مطبوعات و موزیم کابل پرداخته و فهرست‌های بعدی فکری سلجوقی (کتابخانه خطی وزارت اطلاعات و کلتور)، علی‌اصغر بشیر (آرشیف ملی)، خلیل‌الله خلیلی (کتابخانه سلطنتی محمدظاهر شاه)، عبدالقدیر مشتری (آرشیف ملی)، محمداعظم افضلی و محمدانور نیر (آرشیف ملی) را با موجودی فعلی آرشیف در کابل و هرات مقایسه کنند آن گاه متوجه غیبت شمار زیادی از نسخه‌های باارزش خود خواهیم شد. به طور مثال ده‌ها نسخه را فکری سلجوقی در آثارش ذکر کرده که برای موزیم هرات خریده ولی از بسیاری از آن‌ها امروزه هیچ نشانی نیست. شناسایی این نسخه‌ها که ثبت در آرشیف‌ها و کتابخانه‌های سه چهار دهه اخیر ما بوده، کمک می‌کند اقدامات جهت ردیابی آن‌ها را آغاز کنیم و در نهایت همچون نسخه نفیس مجموعه لطایف و سفینه ظرایف که چند دهه قبل از کتابخانه فاکولته ادبیات کابل سرقت شده بود و بعد از سی و پنج سالی سرگردانی در پاکستان و ایران با ارائه اسناد و شواهد، مالکیت خود را بر آن اثبات کردیم، آن را به کشور بازگردانیم. این قضیه سخت قابل تحقیق و بررسی است. پیشنهاد می‌شود کمیسیونی جهت پیگیری و ردیابی این نسخه‌ها در آرشیف ملی افغانستان آغاز به کار کند.

راه سوم تبدیل کردن آرشیف فعلی به یک کتابخانه زنده و پویاست. این کار از طریق نشر و چاپ نسخه‌های نفیس ما به صورت عکسی یا فکسیمیله با قطع و صحافت زیبا امکان‌پذیر خواهد بود. بسیاری از کتابخانه‌ها و مخازن نسخ خطی، آثار ارزشمند خود را با مقدمه‌ای کوتاه به صورت رنگی و در قطع اصلی کتاب منتشر می‌کنند. این رویه باید به سرعت در آرشیف

ملی نیز پیاده شود. جز این باید بخش تحقیقات و نسخه‌شناسی آرشیف نیز فعال شود. وظیفه این بخش در ابتدا انتشار مجله آرشیف خواهد بود که به بحث پیرامون نسخه‌ها، اسناد و تصحیح متون در افغانستان خواهد پرداخت. این بخش ضمن تحقیق، با راهنمایی محققان در قسمت انتخاب موضوعات تحقیقی، مقالات و نوشته‌های آن‌ها را در این مجله به چاپ خواهد رساند.

همچنین این بخش باید مطالعات و رساله‌های تحصیلی دانشجویان رشته‌های ادبیات و علوم بشری را به بخش تصحیح متون سوق دهد. بسیاری از آثار که به روشن شدن فضای اجتماعی و فرهنگی کشور در سده‌های اخیر کمک می‌کند، چشم انتظار محقق نشسته‌اند. آثار بسیاری از شاعران و مورخان ما هنوز چاپ نشده باقی مانده‌اند. در چنین حالتی رفتن به سوی نگارش تاریخ ادبی، فرهنگی و اجتماعی ما درست نیست و کار ناقص خواهد بود. به طور مثال مؤرخین ما نباید از کنار نسخه‌های باارزشی چون یادداشت‌های روزانه داراشکوه در خصوص جنگ و محاصره قندهار یا جنگنامه آزادخان معاصر تیمورشاه و محققین ادبیات ما از کنار دیوان میرزا شیراحمد جلال‌آبادی و میرزا رحمت بدخشی و میرزا خان کابلی معاصر زمان‌شاه بگذرند. محققان علوم دینی ما نباید از آثار و تفسیرهای معین‌الدین فراهی بگذرند و سیره منحصر به فرد جمال‌الدین عطاء هروی را نادیده انگارند. به همین ترتیب صدها نسخه ارزشمند به زبان پشتو در آرشیف وجود دارد که نیازمند تصحیح و انتشار هستند و باید محققان ادبیات پشتو گرد تنهایی را از صورت این نسخ به مهربانی برگیرند.

در صورت انتشار چنین تحقیقاتی است که آن گاه ما می‌توانیم آثار نفیس خود را در برنامه حافظه جهانی یونسکو به عنوان میراث افغانستان ثبت کنیم. یگانه عاملی که ما تا حالا در این امر ناکام بوده‌ایم، نبود تحقیقات معیاری راجع به این آثار است. یونسکو در فورمه ثبت این آثار از هر کشور می‌خواهد که آدرس و نشانی سه منبع که منحصر به فرد بودن آن اثر را تأیید کند، را باید در فورمه درج کند. در صورتی که نسخه‌های ما را آفتاب و مهتاب ندیده چگونه می‌توان پاسخ پرسش‌های چنین فورمه‌هایی را درج کرد.

این‌ها مشکلاتی است که آرشیف ملی افغانستان اکنون با آن دست به گریبان است، امیدواری محققان و دلسوزان فرهنگ ما بر آن است که دولت و وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور با عطف توجه به این مشکلات از راهکارهای پیشنهاد شده مدد جسته تا سبب ارتقاء جایگاه تحقیقی و اعتبار این یگانه و اصلی‌ترین گنجینه خطی ما شود.